

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قانون تجارت با اعراب گذاری



تدوین

گروه علمی مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش

اعراب گذاری: سید علی بنی صدر

انتشارات چتر دانش

عنوان قراردادی	ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	قانون تجارت با اعراب گذاری / تدوین گروه علمی موسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش؛ اعراب گذاری سیدعلی بنی صدر.
مشخصات نشر	تهران: چتر دانش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۳۵۱ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۴۹-۳
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
موضوع	حقوق تجارت -- ایران
موضوع	Commercial law -- Iran
شناسه افزوده	بنی صدر، سیدعلی، ۱۳۶۵ -
شناسه افزوده	موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
رده بندی کنگره	۹۱۴ ۱۳۹۶د KMH
رده بندی دیویی	۳۴۶/۵۵۰۷
شماره کتابشناسی ملی	۴۸۳۸۷۱۶

نام کتاب	قانون تجارت با اعراب گذاری
ناشر	چتر دانش
تدوین	گروه علمی مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش
اعراب گذاری	سید علی بنی صدر
نوبت و سال چاپ	دوم - ۱۴۰۰
شمارگان	۵۰۰
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۴۹-۳
قیمت	۱۷۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸
 تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳
 پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com
 کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

۱۰.....	قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳)
۱۰.....	باب اول: تجار و معاملات تجاری
۱۲.....	باب دوم: دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری
۱۲.....	فصل اول: دفاتر تجاری
۱۴.....	فصل دوم: دفتر ثبت تجاری
۱۵.....	«نظامنامه ماده ۱۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۱۹»
۱۶.....	باب سوم: شرکتهای تجاری
۱۶.....	فصل اول: در اقسام مختلفه شرکتها و قواعد راجعه به آنها
۱۷ ..	لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴
۱۷.....	مبحث اول: شرکتهای سهامی
۱۷.....	بخش اول: تعریف و تشکیل شرکت سهامی
۲۹.....	بخش دوم: سهام
۳۵.....	بخش سوم: تبدیل سهام
۳۸.....	بخش چهارم: اوراق قرضه
۴۵.....	بخش پنجم: مجامع عمومی
۵۶.....	بخش ششم: هیئت مدیره
۶۹.....	بخش هفتم: بازرسان
۷۳.....	بخش هشتم: تغییرات در سرمایه شرکت
۸۹.....	بخش نهم: انحلال و تصفیه
۹۹.....	بخش دهم: حسابهای شرکت

بخش یازدهم: مُقرَّرات جزائی.....	۱۰۴
بخش دوازدهم: مقرَّراتِ مختلفِ مربوط به شرکت‌هایِ سهامی.....	۱۱۸
مَبَحْثِ دوم: شرکتِ با مَسْئولیتِ مَحْدود.....	۱۳۳
مَبَحْثِ سوم: شرکتِ تَضامُنی.....	۱۳۸
مَبَحْثِ چَهَارم: در شرکتِ مُختَلِطِ غیرِسهامی.....	۱۴۴
مَبَحْثِ پَنجم: شرکتِ مُختَلِطِ سهامی.....	۱۴۹
مَبَحْثِ شِشم: شرکتِ نِسیبی.....	۱۵۴
مَبَحْثِ هفتم: شرکت‌هایِ تعاونیِ تُولید و مَصرِف.....	۱۵۵
فَصْلِ دُوم: در مُقرَّراتِ راجعه به ثبِتِ شرکت‌ها و نِشْرِ شرکت‌نامه‌ها.....	۱۵۶
فصل سوم: در تصفیة امور شرکتها.....	۱۵۸
فَصْلِ چَهَارم: مقرَّراتِ مُختلفه.....	۱۶۱
باب چَهَارم: بَرَات، قِتْنَه طَلَب، چِک.....	۱۶۴
فَصْلِ اول: بَرَات.....	۱۶۴
مَبَحْثِ اول: صُورِتِ بَرَات.....	۱۶۴
مَبَحْثِ دوم: در قَبُول و نُکُول.....	۱۶۵
مَبَحْثِ سوم: در قَبُولِ شَخِصِ ثَالث.....	۱۶۷
مَبَحْثِ چَهَارم: در وعدهٔ بَرَات.....	۱۶۷
مَبَحْثِ پَنجم: ظَهْرِ نویسی.....	۱۶۸
مَبَحْثِ شِشم: مَسْئولیت.....	۱۶۹
مَبَحْثِ هفتم: دَر پَر دَاخْت.....	۱۷۰
مَبَحْثِ هشتم: تَأْدِیةٔ وَجِهِ بَرَات، به واسطهٔ شَخِصِ ثَالث.....	۱۷۴

۱۷۵	مَبَحْثِ نُهْم: حقوق و وظایف دارنده برات.....
۱۷۹	مَبَحْثِ دَهْم: دَرِ اعْتِرَاضِ (پُرُوْتِسْت).....
۱۸۱	مَبَحْثِ یازدهم: بَرَاتِ رُجوعی.....
۱۸۳	مَبَحْثِ دوازدهم: قَوَانینِ خَارِجی.....
۱۸۴	فَصْلِ دُوم: دَرْفِتَهٗ طَلَبِ (سَفْتَه).....
۱۸۴	فَصْلِ سُوْم: چِک.....

قانونِ صَدُورِ چِکِ مَصُوبِ ۱۳۵۵/۰۴/۱۶ با اصلاحاتِ بعدی ۱۸۷

۲۱۳	فصل چهارم: در مُرُورِ زَمَان.....
۲۱۴	بَابِ پَنْجُم: اَسْنَادِ دَرِ وَجِهِ حَامِل.....
۲۱۸	بَابِ شَشُم: دَلَالی.....
۲۱۸	فصل اول: کلیات.....
۲۲۰	فَصْلِ دُوم: اُجْرَتِ دَلَالِ وِ مَخَارِج.....
۲۲۱	فَصْلِ سُوْم: دَفْتَر.....
۲۲۳	بَابِ هَفْتُم: حَقُّ الْعَمَلِ کَارِی (کُمِیسیون).....
۲۲۸	بَابِ هَشْتُم: قَرَارِدَادِ حَمَلِ وِ نَقْلِ.....
۲۳۴	بَابِ نَهْم: قَائِمِ مَقَامِ تِجَارَتِی وِ سَايِرِنماینَدگانِ تِجَارَتِی.....
۲۳۶	بَابِ دَهْم: ضَمَانَت.....
۲۳۸	بَابِ یازدهم: دَرِ وِرْشِکَسْتِگی.....
۲۳۸	فَصْلِ اول: دَرِ کَلِیَات.....
۲۳۸	فَصْلِ دُوم: دَرِاعْلَانِ وِرْشِکَسْتِگی وِ اَثْرَاتِ اَن.....

۲۴۲	فصل سوم: در تعیین عضو ناظر.....
۲۴۲	فصل چهارم: در اقدام به مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته.....
۲۴۴	فصل پنجم: در مدیریت تصفیه.....
۲۴۴	فصل ششم: در وظایف مدیریت تصفیه.....
۲۴۴	مبحث اول: در کلیات.....
۲۴۷	مبحث دوم: در رفع توقیف و ترتیب صورت دارایی.....
۲۴۸	مبحث سوم: در فروش اموال و وصول مطالبات.....
۲۵۰	مبحث چهارم: در اقدامات تأمینیه.....
۲۵۰	مبحث پنجم: در تشخیص مطالبات طلبکارها.....
۲۵۴	فصل هفتم: در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته.....
۲۵۴	مبحث اول: در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها.....
۲۵۵	مبحث دوم: در قرارداد ارفاقی.....
۲۵۵	فقره اول: در ترتیب قرارداد ارفاقی.....
۲۵۸	فقره دوم: در اثرات قرارداد ارفاقی.....
۲۵۹	فقره سوم: در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی.....
۲۶۲	مبحث سوم: در تفریب حساب و ختم عمل ورشکستگی.....
۲۶۵	فصل هشتم: در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هر یک از آنها.....
۲۶۵	مبحث اول: در طلبکارهایی که رهنه منقول دارند.....
۲۶۶	مبحث دوم: در طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول، حق تقدم دارند.....
۲۶۷	فصل نهم: در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول.....
۲۶۹	فصل دهم: در دعوی استرداد.....

فصل یازدهم: در طُرُقِ شکایت از احکامِ صادره راجع به ورشکستگی.....	۲۷۱
باب دوازدهم: در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تَقَلُّبِ ۲۷۴	
فصل اول: در ورشکستگی به تقصیر.....	۲۷۴
فصل دوم: در ورشکستگی به تَقَلُّبِ.....	۲۷۶
فصل سوم: در جُنَحه و جنایاتی که اشخاصِ غیر از تاجرِ ورشکسته، در امرِ ورشکستگی، مرتکب می‌شوند.....	۲۷۷
فصل چهارم: در اداره کردنِ اموالِ تاجرِ ورشکسته در صورتِ ورشکستگی به تقصیر یا به تَقَلُّبِ.....	۲۷۹
باب سیزدهم: در اِعَادَةُ اَعْتِبَارِ ۲۸۰	
باب چهاردهم: اسمِ تجارَتی..... ۲۸۴	
باب پانزدهم: شخصیتِ حقوقی..... ۲۸۵	
فصل اول: اشخاصِ حقوقی.....	۲۸۵
فصل دوم: حقوق و وظایف و اقامتگاه و تابعیتِ شخصِ حقوقی.....	۲۸۵
باب شانزدهم: مُقَرَّرَاتِ نِهَائی..... ۲۸۷	
قانونِ ادارهٔ تَصْفِيَةُ اُمُورِ وَرَشْكَسْتِگی مَصُوبِ ۱۳۱۸/۰۴/۲۴..... ۲۹۰	
مَبْحَثِ اَوَّل: سازمانِ ادارهٔ تصفیه.....	۲۹۰
مَبْحَثِ دُوم: اقداماتِ تأمینیِ ادارهٔ تصفیه.....	۲۹۳
مَبْحَثِ سَوم: دعوتِ بستانکاران.....	۲۹۵
مَبْحَثِ چِهَارم: ادارهٔ اموال.....	۲۹۷
مَبْحَثِ پَنجم: رسیدگی به مُطالبات.....	۲۹۹

۳۰۱	مَبْحَثِ ششم: تَصْفِيهِ
۳۰۴	مَبْحَثِ هفتم: تَقْسِيمِ وُجُوهِ حَاصِلِهِ از فروش
۳۰۵	مَبْحَثِ هَشْتَمِ: خَاتَمَهُ وَرَشْكِسْتَنَگِي
۳۰۶	مَبْحَثِ نُهَمِ: مُقَرَّرَاتِ مَالِي
۳۰۷	مَبْحَثِ دَهَمِ: مُقَرَّرَاتِ مَخْصُوص

قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مَصَوَّبِ ۱۳۸۴/۰۹/۰۱ .. ۳۰۹

۳۰۹	فصل اول: تعاریف و اصطلاحات
۳۱۴	فصل دوم: ارکان بازار اوراق بهادار
۳۲۳	فصل سوم: بازار اولیه
۳۲۷	فصل چهارم: بازار ثانویه
۳۳۱	فصل پنجم: اطلاع‌رسانی در بازارهای اولیه و ثانویه
۳۳۳	فصل ششم: جرایم و مجازات‌ها
۳۳۷	فصل هفتم: مقررات متفرقه

قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی مَصَوَّبِ ۱۳۸۸/۰۹/۲۵ .. ۳۴۰

قانون تجارت (مصوب ۱۳/۰۲/۱۳۱۱)

بابِ اوّل: تُّجَّار و مُعَامِلَاتِ تِجَارِي

ماده ۱- تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتی قرار بدهد.

ماده ۲- معاملات تجارتی از قرار ذیل است:

۱- خرید یا تحصیل هر نوع، مال منقول به قصد فروش یا اجاره، اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.

۲- تصدّی به حمل و نقل، از راه خشکی یا آب یا هوا، به هر نحوی که باشد.

۳- هر قسم، عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدّی به هر نوع، تأسیساتی که برای انجام بعضی امور، ایجاد می‌شود، از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیّه و رسانیدن ملزومات و غیره.

۴- تأسیس و به‌کارانداختن هر قسم کارخانه، مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد.

۵- تصدّی به عملیات حراجی.

- ۶- تَصَدَّى به هر قِسْمِ نمایشگاه‌های عمومی.
 - ۷- هر قِسْمِ، عَمَلِیَاتِ صَرَافِی و بانکی.
 - ۸- مُعَامَلَاتِ بَرَوَاتِی اَعْمَ از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد.
 - ۹- عَمَلِیَاتِ بَیْمَةُ بَحْرِی و غیرِ بَحْرِی.
 - ۱۰- کِشْتِی سَازِی و خَرید و فَرُوش کِشْتِی و کِشْتِیرَانِی دَاخِلِی یا خَارجِی و مُعَامَلَاتِ رَاجِعَه به آن‌ها.
- ماده ۳-** مُعَامَلَاتِ ذِیل به اعتبارِ تاجرِ بُوَدِنِ مُتَعَامِلِینِ یا یکی از آن‌ها، تجارَتِی مَحسُوب می‌شود:
- ۱- کَلِیَّةُ مُعَامَلَاتِ بَیْنِ تُجَّارٍ و کَسْبَه و صَرَافان و بانک‌ها.
 - ۲- کَلِیَّةُ مُعَامَلَاتِی که تاجر یا غیرِ تاجر برای حَوَائِجِ تجارَتِی خُود می‌نماید.
 - ۳- کَلِیَّةُ مُعَامَلَاتِی که اجزَا یا خَدَمَه یا شاگردِ تاجر برای امورِ تجارَتِی اَرَبَابِ خُود می‌نماید.
 - ۴- کَلِیَّةُ مُعَامَلَاتِ شَرکَت‌هایِ تِجَارَتِی.
- ماده ۴-** مُعَامَلَاتِ غَیْرِ مَنقُولِ به هیچ‌وجه، تجارَتِی مَحسُوب نمی‌شود.
- ماده ۵-** کَلِیَّةُ مُعَامَلَاتِ تُجَّارٍ، تجارَتِی مَحسُوب است، مگر اینکه ثابت شود، مُعَامَلَه مَرَبُوط به اُمُورِ تجارَتِی نیست.

باب دوم: دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری

فصل اول: دفاتر تجاری

ماده ۶- هر تاجری به استثنای کسبه جزء، مکلف است، دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه، به موجب نظامنامه، قائم مقام این دفاتر قرار می‌دهد داشته باشد:

۱- دفتر روزنامه، ۲- دفتر کل، ۳- دفتر دارایی، ۴- دفتر کپیه.

ماده ۷- دفتر روزنامه، دفتری است که تاجر باید همه‌روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجاری و معاملات راجع به اوراق تجاری (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و به طور کلی جمیع واردات و صادرات تجاری خود را به هر اسم و رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می‌کند، در آن دفتر ثبت نماید.

ماده ۸- دفتر کل، دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته‌ای یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده، هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر به طور خلاصه ثبت کند.

ماده ۹- دفتر دارایی، دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده، در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد، انجام پذیرد.

ماده ۱۰- دفتر کپی، دفتری است که تاجر باید کلیه مُراسلات و مُخابرات و صورت حساب‌های صادره خود را در آن، به ترتیب تاریخ، ثبت نماید.

تبصره- تاجر باید کلیه مُراسلات و مُخابرات و صورت حساب‌های وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود، مرتب نموده و در لفاف مخصوصی، ضبط کند.

ماده ۱۱- دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثناء دفتر کپی، قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شده باشد، به توسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظامنامه وزارت عدلیه، مُعین می‌شود) امضاء خواهد شد. برای دفتر کپی، امضاء مزبور لازم نیست، ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر، مقررات این ماده رعایت خواهد شد. حق امضاء از قرار هر صد صفحه یا کُسور آن دو ریال و به علاوه مَشمول ماده (۱۳۵) قانون ثبت اسناد است.

ماده ۱۲- دفتری که برای امضاء به مُتصدی امضاء تسلیم می‌شود، باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و مُتصدی امضاء، مُکلف است صفحات دفتر را شمرده، در صفحه اول و آخر هر دفتر، مجموع عدد صفحات آن را با تصریح به اسم و رسم صاحب دفتر نوشته، با قید تاریخ امضاء و دو طرف قیطان را با مهر سربی که وزارت عدلیه برای این مقصود، تهیه می‌نماید، منگنه کند. لازم است

کلیه اعداد، حتی تاریخ، با تمام حروف نوشته شود.

ماده ۱۳- کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه، نوشته شود. تراشیدن و حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است و در حاشیه و یا بین سطور نوشتن ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سالی لااقل تا ده سال نگه دارد.

ماده ۱۴- دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تجار برای امور تجارتی خود به کار می‌برند، در صورتی که مطابق مقررات این قانون، مرتب شده باشد، بین تجار، در امور تجارتی، سندیت خواهد داشت و غیر این صورت، فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.

ماده ۱۵- تخلف از ماده ۶ و ماده ۱۱، مستلزم ده میلیون (۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال^۱ جزای نقدی است. این مجازات را محکمه حقوق، رأساً و بدون تقاضای مدعی العموم می‌تواند حکم بدهد و اجرای آن، مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته که دفتر مرتب ندارد، نخواهد بود.

فصل دوم: دفتر ثبت تجارتی

ماده ۱۶- در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجارتی تأسیس کند، کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت

اشتغال دارند، اعم از ایرانی و خارجی به استثناء کسبه جزء، باید در مدت مقرر، اسم خود را در دفتر ثبت تجارتي به ثبت برسانند و الا به جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال^۱ محکوم خواهند شد.

ماده ۱۷- مقررات مربوط به دفتر ثبت تجارتي را وزارت عدلیه با تصریح به موضوعاتی که باید به ثبت برسد، به موجب نظامنامه معین خواهد کرد.

ماده ۱۸- شش ماه پس از الزامی شدن ثبت تجارتي، هر تاجری که مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره به ثبت رسیده و الا علاوه بر مجازات مقرر در فوق، به جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال^۲ محکوم می شود.

ماده ۱۹- کسبه جزء مذکور در این فصل و فصل اول، مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه تشخیص می شوند.

«نظامنامه ماده ۱۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۱۹»

ماده واحده: افراد حقیقی زیر که از مصادیق اشخاص مذکور در

۱- اصلاحی ۱۳۹۹/۱۱/۰۸

۲- اصلاحی ۱۳۹۹/۱۱/۰۸

ماده ۹۶ مالیات‌های مستقیم نباشند، با دارا بودن شرایط زیر، کسبه جزء محسوب می‌شوند:

۱. کسبه، پیشه‌وران، تولیدکنندگان و نظایر آنها که میزان فروش سالانه آنان از مبلغ یکصد میلیون ریال تجاوز نکند.
 ۲. ارائه‌دهندگان خدمات در هر زمینه‌ای که مبلغ دریافتی آنها در قبال خدمات ارائه شده در سال، از مبلغ پنجاه میلیون ریال تجاوز نکند.
- از تاریخ اجرای این نظامنامه، نظامنامه شماره ۷۰۲۴ مورخ ۱۳۱۱/۰۳/۱۵ وزیر عدلیه لغو می‌شود.

باب سوم: شرکت‌های تجاری

فصل اول: در اقسام مختلفه شرکت‌ها

و قواعد راجعه به آنها

ماده ۲۰- شرکت‌های تجاری، بر هفت قسم است:

- ۱- شرکت سهامی.
- ۲- شرکت با مسئولیت محدود.
- ۳- شرکت تضامنی.
- ۴- شرکت مختلط غیرسهامی.
- ۵- شرکت مختلط سهامی.
- ۶- شرکت نسبی.
- ۷- شرکت تعاونی تولید و مصرف.

لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴

[این قانون در روزنامه رسمی شماره ۷۰۳۸ مورخ ۱۳۴۸/۰۱/۲۶ منتشر شده است.]

مبحث اول: شرکتهای سهامی

بخش اول: تعریف و تشکیل شرکت سهامی

- ماده ۱-** شرکت سهامی، شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام، محدود به مبلغ اسمی سهام آنهاست.
- ماده ۲-** شرکت سهامی، شرکت بازرگانی محسوب می شود، ولو اینکه موضوع عملیات آن، امور بازرگانی نباشد.
- ماده ۳-** در شرکت سهامی، تعداد شرکاء نباید از سه نفر، کمتر باشد.
- ماده ۴-** شرکت سهامی به دو نوع تقسیم می شود:
- نوع اول- شرکتهایی که مؤسسین آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می کنند؛ این گونه شرکتها شرکت سهامی عام، نامیده می شوند.
- نوع دوم- شرکتهایی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس، منحصراً توسط مؤسسین، تأمین گردیده است. این گونه شرکتها، شرکت سهامی خاص، نامیده می شوند.

تبصره - در شرکت‌های سهامی عام، عبارت «شرکت سهامی عام» و در شرکت‌های سهامی خاص، عبارت «شرکت سهامی خاص» باید قبل از نام شرکت یا بعد از آن، بدون فاصله با نام شرکت در کلیه اوراق و اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت، به‌طور روشن و خوانا قید شود.

ماده ۵- در موقع تأسیس، سرمایه شرکت‌های سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از یک میلیون ریال، نباید کمتر باشد. در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تأسیس، به هر علت، از حداقل مذکور در این ماده، کمتر شود، باید ظرف یک سال، نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام به عمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت‌های مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد و گرنه هر ذینفع می‌تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند. هرگاه قبل از صدور رای قطعی، موجب درخواست انحلال منتفی گردد، دادگاه، رسیدگی را موقوف خواهد نمود.

ماده ۶- برای تأسیس شرکت‌های سهامی عام، مؤسسين باید اقلاً بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهدشده را در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس، نزد یکی از بانک‌ها سپرده، سپس اظهارنامه‌ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام که به امضاء کلیه مؤسسين رسیده باشد، در تهران به اداره ثبت شرکت‌ها

و در شهرستان‌ها به دایره ثبت شرکت‌ها و در نقاطی که دایره ثبت شرکت‌ها وجود ندارد، به اداره ثبت اسناد و املاک محل، تسلیم و رسید دریافت کنند.

تبصره- هرگاه قسمتی از تعهد مؤسّسین به صورت غیر نقد باشد، باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است، تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضامم آن، به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم نمایند.

ماده ۷- اظهارنامه مذکور در ماده ۶، باید با قید تاریخ، به امضاء کلیه مؤسّسین رسیده و موضوعات زیر، مخصوصاً در آن ذکر شده باشد:

- ۱- نام شرکت.

- ۲- هویت کامل و اقامتگاه مؤسّسین.

- ۳- موضوع شرکت.

- ۴- مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک.
- ۵- تعداد سهام با نام و بی نام و مبلغ اسمی آن‌ها و در صورتی که سهام ممتاز نیز مورد نظر باشد، تعیین تعداد و خصوصیات امتیازات این گونه سهام.

- ۶- میزان تعهد هر یک از مؤسّسین و مبلغی که پرداخت کرده‌اند با تعیین شماره حساب و نام بانکی که وجوه پرداختی در آن واریز شده است. در مورد آورده غیر نقد، تعیین اوصاف و مشخصات ارزش

آن به‌نحوی که بتوان از کم و کیف آورده غیرنقد، اطلاع حاصل نمود.
۷- مرکز اصلی شرکت.

۸- مدت شرکت.

ماده ۸- طرح اساسنامه، باید با قید تاریخ، به امضاء مؤسّسین رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد:

۱- نام شرکت.

۲- موضوع شرکت به طور صریح و منجز.

۳- مدت شرکت.

۴- مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن، اگر تأسیس شعبه مورد نظر باشد.

۵- مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک.

۶- تعداد سهام بی‌نام و با نام و مبلغ اسمی آن‌ها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز، مورد نظر باشد، تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این‌گونه سهام.

۷- تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن، باید مطالبه شود که به هر حال از پنج سال، متجاوز نخواهد بود.

۸- نحوه انتقال سهام با نام.

- ۹- طریقه تبدیل سهام با نام، به سهام بی نام و بالعکس.
- ۱۰- در صورت پیش بینی امکان صدور اوراق قرضه، ذکر شرایط و ترتیب آن.
- ۱۱- شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت.
- ۱۲- مواقع و ترتیب دعوت مجامع عمومی.
- ۱۳- مقررات راجع به حد نصاب لازم، جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آن‌ها.
- ۱۴- طریقه شور و أخذ رأی و اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی.
- ۱۵- تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت مأموریت آن‌ها و نحوه تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا استعفاء می کنند یا محجور یا معزول یا به جهات قانونی، ممنوع می گردند.
- ۱۶- تعیین وظایف و حدود اختیارات مدیران.
- ۱۷- تعداد سهام تضمینی که مدیران باید به صندوق شرکت بسپارند.
- ۱۸- قید اینکه شرکت یک بازرس خواهد داشت یا بیشتر و نحوه انتخاب و مدت مأموریت بازرس.
- ۱۹- تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه.
- ۲۰- نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن.

۲۱- نحوه تغییر اساسنامه.

ماده ۹- طرح اعلامیه پذیره‌نویسی مذکور در ماده ۶ باید مُشتمَل بر نکات زیر باشد:

۱- نام شرکت.

۲- موضوع شرکت و نوع فعالیت‌هایی که شرکت به‌منظور آن تشکیل می‌شود.

۳- مرکز اصلی شرکت و شعب آن در صورتی که تأسیس شعبه، مورد نظر باشد.

۴- مدت شرکت.

۵- هویت کامل و اقامتگاه و شغل مؤسسین، در صورتی که تمام یا بعضی از مؤسسین در امور مربوط به موضوع شرکت یا امور مشابه آن، سوابق یا اطلاعات یا تجاربی داشته باشند، ذکر آن، به اختصار.

۶- مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک و تعداد و نوع سهام در مورد سرمایه غیرنقد شرکت، تعیین مقدار و مشخصات و اوصاف و ارزش آن، به نحوی که بتوان از کم و کیف سرمایه غیرنقد، اطلاع حاصل نمود.

۷- در صورتی که مؤسسین، مزایایی برای خود در نظر گرفته‌اند، تعیین چگونگی و موجبات آن مزایا، به تفصیل.

۸- تعیین مقداری از سرمایه که مؤسسین، تعهد کرده و مبلغی

که پرداخت کرده‌اند.

۹- ذکرِ هزینه‌هایی که مؤسّسین تا آن موقع، جهت تدارکِ مُقَدّماتِ تشکیلِ شرکت و مطالعاتی که انجام گرفته است، پرداخت کرده‌اند و برآوردِ هزینه‌های لازم تا شروعِ فعالیت‌های شرکت.

۱۰- در صورتی که انجامِ موضوعِ شرکت، قانوناً مُستلزمِ مُوافقتِ مراجعِ خاصی باشد، ذکرِ مشخصاتِ اجازه‌نامه یا موافقتِ اُصولی آن مراجع.

۱۱- ذکرِ خدّاقِلّ تعدادِ سهامی که هنگامِ پذیره‌نویسی باید توسطِ پذیره‌نویسی، تَعَهّد شود و تعیینِ مبلغی از آنکه باید مُقارنِ پذیره‌نویسی، نقداً پرداخت گردد.

۱۲- ذکرِ شماره و مشخصاتِ حسابِ بانکی که مبلغِ نقدیِ سهامِ موردِ تَعَهّد، باید به آن حساب، پرداخت شود و تعیینِ مهلتی که طی آن، اشخاصِ ذی‌علاقه^۱ می‌توانند برای پذیره‌نویسی و پرداختِ مبلغِ نقدی به بانک مراجعه کنند.

۱۳- تصریح به اینکه اظهارنامه مؤسّسین، به‌انضمامِ طرحِ اساسنامه برای مُراجعۀ علاقه‌مندان، به مرجعِ ثبتِ شرکت‌ها، تسلیم شده است.

۱۴- ذکرِ نامِ روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی تا تشکیلِ مجمعِ عمومی مؤسس، مُنحصراً در آن منتشر خواهد شد.

۱۵- چگونگیِ تخصیصِ سهام، به پذیره‌نویسان.

ماده ۱۰- مَرَجِعِ ثَبِتِ شرکت‌ها، پس از مُطالعهٔ اِظهارنامه و ضَمایمِ آن و تَطبیقِ مُنَدَرِجاتِ آن‌ها با قانون، اجازهٔ انتشارِ اعلامیهٔ پذیره‌نویسی را صادر خواهد نمود.

ماده ۱۱- اعلامیهٔ پذیره نویسی، باید تَوَسُّطِ مؤسَّسین در جَراید، آگهی گردیده و نیز در بانکی که تَعَهَّدِ سَهام، نزدِ آن صورت می‌گیرد در مَعَرَضِ دیدِ علاقه‌مندان قَرار داده شود.

ماده ۱۲- ظَرْفِ مُهلتي که در اعلامیهٔ پذیره نویسی، مَعین شده است، علاقه‌مندان به بانک، مُراجعه و ورقهٔ تَعَهَّدِ سَهام را امضاء و مَبَلغی را که نَقْداً باید پرداخت شود، تأدیه و رسید، دریافت خواهند کرد.

ماده ۱۳- ورقهٔ تَعَهَّدِ سَهام باید مُشتمَل بر نِکاتِ زیر باشد:

۱- نام و موضوع و مرکزِ اصلی و مدّتِ شرکت.

۲- سرمایهٔ شرکت.

۳- شُماره و تاریخِ اجازهٔ انتشارِ اعلامیهٔ پذیره‌نویسی و مَرَجِعِ صُدورِ آن.

۴- تِعدادِ سهامی که موردِ تَعَهَّد، واقع می‌شود و مَبَلغِ اسمی آن و همچنین مَبَلغی که از آن بابت، نَقْداً در موقعِ پذیره‌نویسی باید پرداخت شود.

۵- نامِ بانک و شماره حسابی که مَبَلغِ لازم، تَوَسُّطِ پذیره‌نویسان باید به آن حساب، پرداخت شود.

۶- هویت و نشانی کامل پذیره‌نویس.

۷- قید اینکه پذیره‌نویس متعهد است، مبلغ پرداخت نشده سهام مورد تعهد را طبق مقررات اساسنامه شرکت، پرداخت نماید.

ماده ۱۴- ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم و با قید تاریخ به امضاء پذیره‌نویس یا قائم مقام قانونی او رسیده، نسخه اول، نزد بانک نگه‌داری و نسخه دوم با قید رسید وجه و مهر و امضاء بانک به پذیره‌نویس تسلیم می‌شود.

تبصره- در صورتی که ورقه تعهد سهم را شخصی برای دیگری امضاء کند، هویت و نشانی کامل و سمت امضاءکننده قید و مدرک سمت او اخذ و ضمیمه خواهد شد.

ماده ۱۵- امضاء ورقه تعهد سهم به‌خودی‌خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجمع عمومی صاحبان سهام می‌باشد.

ماده ۱۶- پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره‌نویسی معین شده است و یا در صورتی که مدت، تمدید شده باشد، بعد از انقضای مدت تمدیده‌شده، مؤسسين حداقل تا یک ماه به تعهدات پذیره‌نویسان، رسیدگی و پس از احراز اینکه تمام سرمایه شرکت، صحیحاً تعهد گردیده و اقلای سی و پنج درصد آن پرداخت شده است، تعداد سهام هریک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مجمع عمومی مؤسس را دعوت خواهند نمود.

ماده ۱۷- مَجْمَعِ عُمومی مؤسس، با رعایتِ مُقَرَّراتِ این قانون تشکیل می‌شود و پس از رسیدگی و احرازِ پذیره‌نویسی، کلیهٔ سهامِ شرکت و تأدیةٔ مَبالغِ لازم و شُورِ دربارهٔ اساسنامهٔ شرکت و تصویبِ آن، اُولینِ مُدیران و بازرس یا بازرسانِ شرکت را انتخاب می‌کند. مُدیران و بازرسانِ شرکت، باید کتباً قبولِ سِمَتِ نمایندند. قبولِ سِمَتِ به خودیِ خود، دلیل بر این است که مُدیر و بازرس با علم به تَکالیف و مَسئولیت‌های سِمَتِ خود، عهده‌دار آن گردیده‌اند. از این تاریخ، شرکت، تشکیل شده، محسوب می‌شود.

تبصره ۱- هرگونه دَعوت و اِطّلاعیه برای صاحبانِ سَهام تا تشکیلِ مَجْمَعِ عُمومی سالانه، باید در دو روزنامهٔ کثیرالانتشار منتشر شود. یکی از این دو روزنامه، به وسیلهٔ مَجْمَعِ عُمومی مؤسس و روزنامهٔ دیگر از طَرَفِ وزارتِ اطلاعات و جِهانگردی^۱، تعیین می‌شود.

ماده ۱۸- اساسنامه‌ای که به تصویبِ مَجْمَعِ عُمومی مؤسس رسیده، به ضمیمهٔ صورتِ جَلَسهٔ مَجْمَعِ و اعلامیهٔ قبولیِ مُدیران و بازرسان، جِهتِ ثبَتِ شرکت به مَرَجِعِ ثبَتِ شرکت‌ها، تسلیم خواهد شد.

ماده ۱۹- در صورتی که شرکت تا شش ماه از تاریخِ تسلیمِ اظهارنامهٔ مذکور در مادهٔ ۶ این قانون، به ثبَتِ نرسیده باشد، به درخواستِ هر

۱- اصلاحی ۱۳۵۳/۱۱/۲۲

۲- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعلی

یک از مؤسّسین یا پذیره‌نویسان، مَرَجِعِ ثَبِتِ شرکت‌ها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است، گواهینامه‌ای حاکی از عَدَمِ ثَبِتِ شرکت، صادر و به بانکی که تَعَهَّدِ سَهَام و تَأْدِیَةُ وَجُوهِ در آن به عمل آمده است، ارسال می‌دارد تا مؤسّسین و پذیره‌نویسان به بانک مراجعه و تَعَهَّدنامه و وَجُوهِ پَرِدَاخْتِ خود را مُسْتَرَد دارند. در این صورت، هرگونه هزینه‌ای که برای تَأْسِیسِ شرکت پرداخت یا تَعَهَّد شده باشد، به عَهْدَةُ مؤسّسین خواهد بود.

ماده ۲۰- برای تَأْسِیس و ثَبِتِ شرکت‌های سَهَامِی خاصّ، فقط تَسْلِیمِ اظهارنامه به ضمیمه مَدَارِکِ زیر به مَرَجِعِ ثَبِتِ شرکت‌ها، کافی خواهد بود:

- ۱- اساسنامه شرکت که باید به امضاء کلیه سهامداران رسیده باشد.
- ۲- اظهارنامه مُشْعِر^۱ بر تَعَهَّدِ کلیه سَهَام و گواهینامه بانکی حاکی از تَأْدِیَةُ قِسْمَتِ نَقْدِیِ آن، که نباید کمتر از سی و پَنجِ دَرَصِدِ کُلِّ سَهَام باشد. اظهارنامه مَذْکُور، باید به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. هرگاه تمام یا قسمتی از سرمایه به صورت غیرنقد باشد، باید تمام آن، تَأْدِیَةُ گردیده و صورتِ تَقْوِیمِ آن، به تَفْکِیکِ در اظهارنامه مُنْعَکَسِ شده باشد و درصورتی که سَهَامِ مُمْتَازَه، وجود داشته باشد، باید شرحِ امتیازات و مَوْجِبَاتِ آن، در اظهارنامه مُنْعَکَسِ شده باشد.
- ۳- اِنْتِخَابِ اَوَّلِیْنِ مُدِیْران و بَاَزْرِسِ یا بَاَزْرِسَانِ شرکت که باید در

صورتِ جَلْسِه‌ای قید و به امضای کلیهٔ سهامداران رسیده باشد.

۴- قبولِ سِمَتِ مُدیریت و بازرسی با رعایتِ قسمتِ اخیرِ مادهٔ ۱۷.
 ۵- ذکرِ نامِ روزنامهٔ کثیرالانتشاری که هرگونه آگهی راجع به شرکت تا تشکیلِ اولینِ مَجْمَعِ عُمومیِ عادی در آن منتشر خواهد شد.
 تبصره- سایرِ قُیود و شَرايطی که در این قانون، برای تشکیل و ثبتِ شرکت‌های سَهامی عام، مُقَرَّر است، در موردِ شرکت‌های سَهامی خاص، لازم‌الرعايه نخواهد بود.

ماده ۲۱- شرکت‌های سَهامی خاص، نمی‌توانند سَهامِ خود را برای پذیره نویسی یا فروش در بورسِ اوراقِ بَهادار یا تَوَسُّطِ بانک‌ها، عَرَضِه نمایند و یا به انتشارِ آگهی و اطلاعیه و یا هر نوعِ اقدامِ تَبلیغاتی برای فروشِ سَهامِ خود، مبادرت کنند، مگر اینکه از مُقَرراتِ مَرَبوط به شرکت‌های سَهامی عام به‌نحوی که در این قانون مَذکور است، تَبَعیَّت نمایند.

ماده ۲۲- استفاده از وُجوهِ تَادیه شده به نامِ شرکت‌های سَهامی در شُرْفِ تَاسیس، ممکن نیست؛ مگر پس از به‌ثَبْتِ رِسیدنِ شرکت و یا در موردِ مَذکور در مادهٔ ۱۹.

ماده ۲۳- مَوَسَّسینِ شرکت نسبت به کلیهٔ اَعمال و اِقداماتی که به‌منظور تَاسیس و به‌ثَبْتِ رِسانیدنِ شرکت انجام می‌دهند، مَسئولیتِ تَضامنی دارند.

بخش دوم: سهام

ماده ۲۴- سهم، قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص^۱ میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد. ورقه سهم، سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

تبصره ۱- سهم، ممکن است بانام و یا بی‌نام باشد.

تبصره ۲- در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون، مزایایی قائل شوند، این‌گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می‌شود.

ماده ۲۵- اوراق سهام باید متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب بوده و به امضای لاقل دو نفر که به موجب مقررات اساسنامه، تعیین می‌شوند برسد.

ماده ۲۶- در ورقه سهم نکات زیر باید قید شود:

۱- نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکت‌ها.

۲- مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن.

۳- تعیین نوع سهم.

۴- مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و به اعداد.

۵- تعداد سهامی که هر ورقه، نماینده آن است.

ماده ۲۷- تا زمانی که اوراقِ سهام، صادر نشده است، شرکت باید به صاحبانِ سهام، گواهینامهٔ موقتِ سهم بدهد، که معرفِ تعداد و نوعِ سهام و مبلغِ پرداخت شدهٔ آن باشد. این گواهینامه در حکمِ سهم است، ولی در هر حال، ظرفِ مدتِ یک سال، پس از پرداختِ تمامی مبلغِ اسمیِ سهم، باید ورقهٔ سهم صادر و به صاحبِ سهم، تسلیم و گواهینامهٔ موقتِ سهم مُسترد و ابطال گردد.

ماده ۲۸- تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده، صدورِ ورقهٔ سهم یا گواهینامهٔ موقتِ سهم، ممنوع است. در صورتِ تخلف، امضاء کنندگانِ مسؤولِ جبرانِ خساراتِ اشخاصِ ثالث خواهند بود.

ماده ۲۹- در شرکت‌های سهامی عام، مبلغِ اسمیِ هر سهم، نباید از ده هزار ریال، بیشتر باشد.

ماده ۳۰- مادام که تمامی مبلغِ اسمیِ هر سهم، پرداخت نشده، صدورِ ورقهٔ سهم بی‌نام یا گواهینامهٔ موقتِ بی‌نام، ممنوع است. به تعهدکنندهٔ این‌گونه سهام، گواهینامهٔ موقتِ بانام، داده خواهد شد که نقل و انتقالِ آن تابعِ مقرراتِ مربوط به نقل و انتقالِ سهام بانام است.

ماده ۳۱- در موردِ صدورِ گواهینامهٔ موقتِ سهم، مواد ۲۵ و ۲۶ باید رعایت شود.

ماده ۳۲- مبلغِ اسمیِ سهام و همچنین قطعاتِ سهام، در صورتِ تجزیه، باید متساوی باشد.

ماده ۳۳- مَبْلَغِ پَرِدَاخْتِ نَشْدَةُ سَهَامِ هَرِّ شَرِكْتِ سَهَامِي، بَايْدَ ظَرْفِ مَدَّتِ مُقَرَّرِ دَرِ اَسَاسَنَامِه، مُطَالِبِه شُود. دَرِ غَيْرِ اَيْنِ صُورَت، هَيْئَتِ مَدِيرَةُ شَرِكْتِ، بَايْدَ مَجْمَعِ عَمُومِي فَوْقِ الْعَادَةِ صَاحِبَانِ سَهَامِ رَا بِه مَنظُورِ تَقْلِيلِ سَرْمَايَةُ شَرِكْتِ تَا مِيزَانِ مَبْلَغِ پَرِدَاخْتِ شُدَةُ سَرْمَايِه دَعُوتِ كَنْد و تَشْكِيلِ دَهْد و گَرَنِه هَر ذِي نَفْعِ حَقِّ خَوَاھَد دَاشْت كِه بَرَايِ تَقْلِيلِ سَرْمَايَةُ ثَبْتُ شُدَةُ شَرِكْتِ تَا مِيزَانِ مَبْلَغِ پَرِدَاخْتِ شُدِه بِه دَادگَاھ، رُجُوعِ كَنْد.

تبصره- مُطَالِبَةُ مَبْلَغِ پَرِدَاخْتِ نَشْدَةُ سَهَامِ يَا هَر مِقْدَارِ اَز اَن، بَايْدَ اَز كَلِيَّه صَاحِبَانِ سَهَامِ و بِدُونِ تَبْعِيضِ، بِه عَمَلِ آيْد.

ماده ۳۴- كَسِي كِه تَعَهَّدِ اِئْتِيَاعِ سَهْمِي رَا نَمُودِه، مَسْئُولِ پَرِدَاخْتِ تَمَامِ مَبْلَغِ اِسْمِي اَن مِي بَاشْد و دَر صُورَتِي كِه قَبْلِ اَز تَا دِيئَةُ تَمَامِ مَبْلَغِ اِسْمِي سَهْمِ، اَن رَا بِه دِيگَرِي اِنْتِقَالِ دَهْد، بَعْدِ اَز اِنْتِقَالِ سَهْمِ، دَارِنْدَةُ سَهْمِ، مَسْئُولِ پَرِدَاخْتِ بَقِيَّةِ مَبْلَغِ اِسْمِي اَن خَوَاھَد بُوْد.

ماده ۳۵- دَر هَر مَوْقِعِ كِه شَرِكْتُ بَخَوَاھَد تَمَامِ يَا قِسْمَتِي اَز مَبْلَغِ پَرِدَاخْتِ نَشْدَةُ سَهَامِ رَا مُطَالِبِه كَنْد، بَايْدَ مَرَاتِبِ رَا اَز طَرِيقِ نَشْرِ اَگْهِي دَر رُوز نَامَةُ كَثِيْرُ الْاِنْتِشَارِي كِه اَگْهِي هَايِ مَرْبُوطِ بِه شَرِكْتِ دَر اَن مَنْتَشَرِ مِي شُود، بِه صَاحِبَانِ فَعْلِي سَهَامِ اَطْلَاعِ دَهْد و مُهَلَّتِ مَعْقُولِ و مُتَنَاسَبِي بَرَايِ پَرِدَاخْتِ مَبْلَغِ مَوْرِدِ مُطَالِبِه، مُقَرَّرِ دَارْد. پَسِ اَز اِنْقِضَايِ چَنِينِ مُهَلَّتِي، هَر مَبْلَغُ كِه تَا دِيئِه نَشْدِه بَاشْد، نَسْبَتِ بِه اَن،

خسارتِ دیرکرد از قرارِ نِزْخِ رَسْمِیِ بَهره، به علاوهٔ چهار درصد در سال به مَبْلَغِ تأدیه نشده علاوه خواهد شد و پس از اِخْطار از طرفِ شرکت به صاحبِ سهم و گذشتن یک‌ماه، اگر مَبْلَغِ موردِ مُطالَبه و خِسارتِ تأخیرِ آن تماماً پرداخت نشود، شرکت، این‌گونه سهام را در صورتی که در بورسِ اوراقِ بهادار پذیرفته شده باشد از طریقِ بورس، و گرنه از طریقِ مُزایدِه به فروش خواهد رسانید. از حاصلِ فروشِ سَهْم، بدوْا کَلِیَّهٔ هِزِیْنه‌های مُتَرْتِیْبِه برداشت گردیده و در صورتی که خالصِ حاصلِ فروش از بدهیِ صاحبِ سهم (بابِ اصل و هِزِیْنه‌ها و خِسارتِ دیرکرد) بیشتر باشد، مازاد به وی پرداخت می‌شود.

ماده ۳۶- در موردِ مادهٔ ۳۵، آگهیِ فروشِ سهم با قیدِ مشخصاتِ سَهْمِ موردِ مزایدِه، فقط یک نوبت در روزنامهٔ کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد، منتشر و یک نسخه از آگهی، وسیلهٔ پُستِ سفارشی برای صاحبِ سهم، ارسال می‌شود. هرگاه قبل از تاریخی که برای فروشِ مُعین شده است، کَلِیَّهٔ بدهی‌های مربوط به سَهْم، اَعْم از اصل - خِسارات - هِزِیْنه‌ها به شرکت پرداخت شود، شرکت از فروشِ سَهْمِ خودداری خواهد کرد. در صورتِ فروشِ سهم، نامِ صاحبِ سهمِ سابق، از دفاترِ شرکت حَذَف و اوراقِ سَهْم یا گواهینامهٔ موقتِ سَهْم، با قیدِ کَلِمَةُ المِثْنی به نامِ خریدار، صادر و اوراقِ سَهْم یا گواهینامهٔ موقتِ سَهْمِ قبلی،

ابطال می‌شود و مراتب برای اطلاع عموم، آگهی می‌گردد.

ماده ۳۷- دارندگان سهام مذکور در ماده ۳۵، حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت را نخواهند داشت و در احتساب حد نصاب تشکیل مجامع عمومی، تعداد این گونه سهام از کل تعداد سهام شرکت، کسر خواهد شد. به علاوه، حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت و همچنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم، نسبت به این گونه سهام، معلق خواهد ماند.

ماده ۳۸- در مورد ماده ۳۷، هرگاه دارندگان سهام، قبل از فروش سهام، بدهی خود را بابت اصل و خسارات و هزینه‌ها به شرکت پرداخت کنند، مجدداً حق حضور و رأی در مجامع عمومی را خواهند داشت و می‌توانند حقوق مالی وابسته به سهام خود را که مشمول مرور زمان نشده باشد، مطالبه کنند.

ماده ۳۹- سهم بی‌نام، به صورت سند در وجه حامل تنظیم و ملک دارنده آن شناخته می‌شود، مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال این گونه سهام، به قبض و اقباض به عمل می‌آید. گواهینامه موقت سهام بی‌نام، در حکم سهام بی‌نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد، مشمول مقررات سهام بی‌نام می‌باشد.

ماده ۴۰- انتقال سهام بانام، باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال‌دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را

در دفتر مزبور، امضاء کند.

در موردی که تمامی مبلغ اسمی سهم، پرداخت نشده است، نشانی کامل انتقال‌گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت، قید و به امضای انتقال‌گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او رسیده و از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم، معتبر خواهد بود. هرگونه تغییر اقامتگاه نیز باید به همان ترتیب، به ثبت رسیده و امضاء شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق به عمل آید، از نظر شرکت و اشخاص ثالث، فاقد اعتبار است.

ماده ۴۱- در شرکت‌های سهامی عام، نقل و انتقال سهام، نمی‌تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجمع عمومی صاحبان سهام بشود.

ماده ۴۲- هر شرکت سهامی می‌تواند به موجب اساسنامه و همچنین تا موقعی که شرکت منحل نشده است، طبق تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام، سهام ممتاز ترتیب دهد. امتیازات این‌گونه سهام و نحوه استفاده از آن باید به طور وضوح تعیین گردد. هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان نصف به علاوه یک این‌گونه سهام، انجام گیرد.

بخش سوم: تبدیل سهام

ماده ۴۳- هرگاه شرکت بخواهد به موجب مقررات اساسنامه یا بنا به تصمیم مجمع عمومی فوق العاده سهامداران خود، سهام بی نام شرکت را به سهام بانام و یا آنکه سهام بانام را به سهام بی نام تبدیل نماید، باید بر طبق مواد زیر، عمل کند.

ماده ۴۴- در مورد تبدیل سهام بی نام، به سهام بانام، باید مراتب در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد، سه نوبت، هریک به فاصله پنج روز منتشر، و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد، به صاحبان سهام داده شود تا برای تبدیل سهام خود به مرکز شرکت، مراجعه کنند. در آگهی، تصریح خواهد شد که پس از انقضای مهلت مزبور، کلیه سهام بی نام شرکت، باطل شده تلقی می گردد.

ماده ۴۵- سهام بی نامی که ظرف مهلت مذکور در ماده ۴۴، برای تبدیل به سهام بانام به مرکز شرکت، تسلیم نشده باشد، باطل شده محسوب و برابر تعداد آن، سهام بانام صادر و توسط شرکت در صورتی که سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد، از طریق بورس، وگرنه از طریق حراج، فروخته خواهد شد. آگهی حراج حداکثر تا یک ماه پس از انقضای مهلت شش ماه مذکور، فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت

در آن نشر می‌گردد، منتشر خواهد شد. فاصله بین آگهی و تاریخ حراج، حداکثر ده روز و حداکثر یک ماه خواهد بود. در صورتی که در تاریخ تعیین شده، تمام یا قسمتی از سهام به فروش نرسد، حراج تا دو نوبت، طبق شرایط مندرج در این ماده، تجدید خواهد شد.

ماده ۴۶- از حاصل فروش سهامی که بر طبق ماده ۴۵ فروخته می‌شود، بدو هزینه‌های مترتبه از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق الزحمه کارگزار بورس، کسر و مازاد آن، توسط شرکت در حساب بانکی بهره‌دار سپرده می‌شود. در صورتی که ظرف ده سال از تاریخ فروش، سهام باطل شده به شرکت مسترد شود، مبلغ سپرده و بهره مربوطه به دستور شرکت از طرف بانک به مالک سهم، پرداخت می‌شود. پس از انقضای ده سال باقی‌مانده، وجوه، در حکم مال بلاصاحب بوده و باید از طرف بانک و با اطلاع دادستان شهرستان به خزانه دولت منتقل گردد.

تبصره- در مورد مواد ۴۵ و ۴۶، هرگاه پس از تجدید حراج، مقداری از سهام به فروش نرسد، صاحبان سهام بی‌نام که به شرکت مراجعه می‌کنند، به ترتیب مراجعه به شرکت، اختیار خواهند داشت از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده، به نسبت سهام بی‌نام که در دست دارند، وجه نقد دریافت کنند و یا آنکه برابر تعداد سهام بی‌نام خود سهام بانام، تحصیل نمایند، و این ترتیب، تا وقتی که وجه نقد و

سَهْمِ فروخته نشده، هر دو در اختیارِ شرکت قرار دارد، رعایت خواهد شد.

ماده ۴۷- برای تبدیلِ سَهْمِ بانام، به سَهْمِ بی‌نام، مراتب فقط یک نوبت در روزنامهٔ کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد، منتشر و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد، به صاحبانِ سهام داده می‌شود تا برای تبدیلِ سهامِ خود به مرکزِ شرکت، مراجعه کنند. پس از انقضای مهلتِ مذکور، برابرِ تعدادِ سهامی که تبدیل نشده است، سهامِ بی‌نام صادر و در مرکزِ شرکت نگهداری خواهد شد تا هر موقع که دارندگانِ سهامِ بانام، به شرکت مراجعه کنند، سَهْمِ بانامِ آنان، اخذ و ابطال، و سَهْمِ بی‌نام به آن‌ها داده شود.

ماده ۴۸- پس از تبدیلِ کلیهٔ سهامِ بی‌نام، به سهامِ بانام و یا تبدیلِ سهامِ با نام به سهامِ بی‌نام و یا حسبِ مورد، پس از گذشتنِ هریک از مهلت‌های مذکور در مواد ۴۴ و ۴۷، شرکت باید مرجعِ ثبتِ شرکت‌ها را از تبدیلِ سهامِ خود، کتباً مطلع سازد تا مراتب، طبقِ مقررات به ثبت رسیده و برای اطلاعِ عموم، آگهی شود.

ماده ۴۹- دارندگانِ سهامی که بر طبقِ موادِ فوق، سهامِ خود را تعویض ننموده باشند، نسبت به آن سهام، حقِ حضور و رأی در مجامعِ عمومیِ صاحبانِ سهام را نخواهند داشت.

ماده ۵۰- در موردِ تعویضِ گواهینامه موقتِ سهام یا اوراقِ سهام بانام یا بی‌نام، بر طبقِ مفادِ موادِ ۴۷ و ۴۹ عمل خواهد شد.

بخش چهارم: اوراقِ قرضه

ماده ۵۱- شرکتِ سهامیِ عام می‌تواند تحتِ شرایطِ مُندرج در این قانون، اوراقِ قرضه مُنتشر کند.

ماده ۵۲- ورقه قرضه، ورقه قابلِ معامله‌ای است که مُعرّفِ مَبْلَغی و ام است با بهره مُعین که تمامی آن یا اجزاء آن در موعِد یا مَوَاعِدِ مُعینی، باید مُسترد گردد. برای ورقه قرضه ممکن است علاوه بر بهره، حقوقِ دیگری نیز شناخته شود.^۱

ماده ۵۳- دارندگانِ اوراقِ قرضه، در ادارهٔ امورِ شرکت، هیچ‌گونه دخالتی نداشته و فقط، بستانکارِ شرکت محسوب می‌شوند.

ماده ۵۴- پذیرهنویسی و خریدِ اوراقِ قرضه، عملِ تجاری نمی‌باشد.

ماده ۵۵- انتشارِ اوراقِ قرضه، ممکن نیست مگر وقتی که کلیهٔ سرمایهٔ ثبت‌شدهٔ شرکت، تأدیه شده و دو سال تمام از تاریخِ ثبتِ شرکت گذشته و دو ترازنامهٔ آن به تصویبِ مَجْمَعِ عمومی رسیده باشد.

ماده ۵۶- هرگاه انتشارِ اوراقِ قرضه در اساسنامهٔ شرکت، پیش بینی نشده باشد، مَجْمَعِ عمومی فوق‌العادهٔ صاحبانِ سهام می‌تواند بنا به پیشنهادِ هیئت‌مدیره، انتشارِ اوراقِ قرضه را تصویب و شرایطِ آن را تعیین کند. اساسنامه و یا مَجْمَعِ عمومی می‌تواند به هیئت‌مدیره

۱- نظریهٔ شورای نگهبان به شماره ۸۵/۳۰/۲۰۵۱۸ مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۲۸: «معاملهٔ اوراقِ مذکور در ماده (۵۲) قانون تجارت، از این جهت که وامِ مذکور در آن، مُشتمَل بر بهره است، خلاف موازین شرع شناخته شد.»

شرکت اجازه دهد که طی مدتی که از دو سال تجاوز نکند، یک یا چند بار به انتشار اوراق قرضه، مُبادرت نماید.

تبصره- در هر بار انتشار، مبلغ اسمی اوراق قرضه و نیز قطعات اوراق قرضه (در صورت تجزیه) باید مُتساوی باشد.

ماده ۵۷- تصمیم راجع به فروش اوراق قرضه و شرایط صدور و انتشار آن، باید همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه، کتباً به مرجع ثبت شرکتها اعلام شود. مرجع مذکور، مفاد تصمیم را ثبت و خلاصه آن را همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه به هزینه شرکت، در روزنامه رسمی، آگهی خواهد نمود.

تبصره- قبل از انجام تشریفات مذکور در ماده فوق، هرگونه آگهی برای فروش اوراق قرضه، ممنوع است.

ماده ۵۸- اطلاعیه انتشار اوراق قرضه، باید مُشتمل بر نکات زیر بوده و توسط دارندگان امضاء مُجاز شرکت، امضاء شده باشد:

- ۱- نام شرکت.
- ۲- موضوع شرکت.
- ۳- شماره و تاریخ ثبت شرکت.
- ۴- مرکز اصلی شرکت.
- ۵- مدت شرکت.
- ۶- مبلغ سرمایه شرکت و تصریح به اینکه کلیه آن پرداخت

شده است.

۷- در صورتی که شرکت، سابقاً اوراقِ قرضه صادر کرده است، مَبْلَغ و تعداد و تاریخِ صدورِ آن و تَضْمیناتی که احتمالاً برای باز پرداختِ آن در نظر گرفته شده است و همچنین مَبْلَغِ بازپرداختِ شدهٔ آن و در صورتی که اوراقِ قَرَضِهٔ سابق، قابلِ تبدیل به سهامِ شرکت بوده باشد. مقداری از آن گونه اوراقِ قرضه که هنوز تبدیل به سَهْم نشده است.

۸- در صورتی که شرکت سابقاً اوراقِ قرضهٔ مؤسسهٔ دیگری را تضمین کرده باشد، مَبْلَغ و مدّت و سایر شرایطِ تَضْمینِ مذکور.

۹- مَبْلَغِ قَرَضِه و مدّتِ آن و همچنین مَبْلَغِ اسمی هر ورقه و نرخِ بهره‌ای که به قَرَضِه، تعلق می‌گیرد و ترتیبِ مُحاسبهٔ آن و ذکر سایر حقوقی که احتمالاً برای اوراقِ قرضه در نظر گرفته شده است و همچنین موعِد یا مَواعِد و شرایطِ بازپرداختِ اصل و پرداختِ بهره و غیره و در صورتی که اوراقِ قرضه قابلِ بازخريد باشد، شرایط و ترتیبِ بازخريد.

۱۰- تَضْمیناتی که احتمالاً برای اوراقِ قرضه، در نظر گرفته شده است.

۱۱- اگر اوراقِ قرضه، قابلِ تعویض با سهامِ شرکت یا قابلِ تبدیل به سهامِ شرکت باشد، مُهَلَّت و سایر شرایطِ تعویض یا تبدیل.

۱۲- خلاصهٔ گزارشِ وضعِ مالیِ شرکت و خلاصهٔ ترازنامهٔ آخرین